

گزارش‌ها

همایش بین‌المللی پر محتوایی با عنوان «روسیه و ایران: گفتگوی فرهنگها» در محل آکادمی خدمات دولتی وابسته به ریاست جمهوری فدراسیون روسیه و با همکاری و هماهنگی آکادمی یاد شده و نیز دفتر فدرال در امور فرهنگ و سینما، مؤسسه فرهنگ‌شناسی روسیه، شورای علمی فرهنگستان علوم روسیه در امور پژوهش و حفظ میراث فرهنگی و طبیعی، مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه و به همت رایزنی فرهنگی سفارت ایران در مسکو برگزار شد. عنوان مراکز مشارکت‌کننده خود به تنهایی بیانگر رویکرد جدی جامعه نخبگان و دانشگاهیان روسیه به موضوع مطرح در همایش و به جا بودن انتخاب این موضوع برای گشودن درهای تعامل فرهنگی و اندیشگی میان ایران و روسیه است.

سخنرانیهای نشست عمومی

نشست عمومی همایش تا بعدازظهر روز نخست در یکی از چندین تالار سخنرانی آکادمی خدمات دولتی، با حضور آندری بوسگین، معاون وزیر فرهنگ روسیه، برگزار شد و پس از آن بخشهای تخصصی چهارگانه کار خود را آغاز کردند.

در آغاز نشست عمومی کریل رازلوگوف، رئیس مؤسسه فرهنگ‌شناسی روسیه، ابراز امیدواری کرد این همایش آغازی برای همکاریهای گسترده فرهنگی کارشناسان ایران و روسیه باشد. وی دورنمای همکاریهای فرهنگی دو کشور را خوب ارزیابی کرد و تأکید نمود ادامه این همکاریها به تلاشهای دو جانبه بستگی دارد. غلامرضا انصاری، سفیر ایران در روسیه نیز برگزاری چنین همایشهایی را در شناخت دو ملت ایران و روسیه از یکدیگر مفید

دانست. وی گفت: انتخاب گفتگوی فرهنگها در حالی که بشر از جنگ خسته شده و برای آرامش و صلح تلاش می‌کند، اقدام کاملاً بجایی است. انصاری افزود: جهان از تک صدایی بیزار است و نظام یک جانبه‌گرایی، دنیا را به خطر انداخته و لذا باید گفتگوی تمدنها و فرهنگها را ترویج داد. وی ابراز امیدواری نمود برگزاری این همایش در مسکو زمینه‌ساز فرهنگ بردباری و آزاداندیشی بوده و در جریان تبادل نظر اساتید ایرانی و روس، راهکارهای توسعه فرهنگی دو کشور یافت شود. آندری بوسگین، معاون وزیر فرهنگ روسیه، در سخنانی با اشاره به حضور اندیشمندان ایرانی، روس و کشورهای همسو در این همایش، گفتگو و شناخت فرهنگی ملل از یکدیگر را عامل مهمی در روند جهانی شدن دانست. وی گفت: متأسفانه در جهان فعلی بیشتر ملت‌ها افکار کلیشه‌ای در مورد یکدیگر دارند و باید این کلیشه‌ها را از بین برد تا ملت‌ها به شناخت واقعی نسبت به یکدیگر دست یابند. معاون وزیر فرهنگ روسیه، ایران و روسیه را دو کشور با سابقه دیرینه فرهنگی دانست که اهمیت جهانی دارند و ابراز امیدواری کرد همایش مسکو به ارتقای سطح روابط فرهنگی آنها کمک کند. دیگر سخنران نشست عمومی دکتر محمد نهایندیان، مشاور ریاست جمهوری و «مدیر مرکز ملی مطالعات جهانی شدن ایران» بود. دور نمایه سخنان دکتر نهایندیان را ترسیم تصویری واقع‌بینانه از روند جهانی شدن و امکان همکاری‌های ایران و روسیه در جهت پاسخگویی به دغدغه‌های جهانی شدن تشکیل می‌داد. وی با طرح سه پرسش (۱) میزان انتفاع ملت‌های گوناگون از روند جهانی شدن، (۲) چگونگی حکمرانی در این روند (global governance) و (۳) دغدغه هویت ملت‌ها بر این نکته تأکید نمود که ساختارهای نوین جهانی باید پاسخگوی این پرسش‌ها باشند. دکتر نهایندیان سپس به کنوانسیون یونسکو درباره تنوع فرهنگی اشاره کرد و افزود که این کنوانسیون براساس نگاه جهانی به روند جهانی شدن تنظیم شده است و جالب آن که همه کشورها به جز آمریکا و انگلیس به آن رأی مثبت داده‌اند. وی افزود که ایران و روسیه فعالانه از کنوانسیون یاد شده حمایت کردند و حال باید دید، مشترکات ایران و روسیه در این حرکت جدید چیست. به نظر دکتر نهایندیان ایران و روسیه به رغم

بیگانگی ظاهری، مشترکات فراوانی، چه اثباتی و چه سلبی، داشته و دارند. از جمله این مشترکات، او موارد زیر را برشمرد:

- حس احتیاط و عدم وجود امنیت نسبت به بیگانگان (که البته همیشه منفی نبوده است)؛

- عدم صراحت و وجود ایهام در زبان و ارتباط گفتاری هر دو جامعه؛

- جایگاه ویژه انصاف و عدالت در هر دو فرهنگ.

دکتر نهاوندیان افزود که در رویکرد هر دو جامعه نسبت به جهانی شدن نیز اشتراکات مهمی وجود دارد، از جمله آن که در این زمینه پرسشهای مشترکی در ایران و روسیه مطرح است، مانند پرسش اولویت جمع‌گرایی یا فردگرایی، پرسش شرقی بودن یا غربی بودن و نیز پرسش مربوط به اولویت نظم یا دموکراسی. وی در به شمردن دیگر نقاط اشتراک دو کشور به سند راهبردی تنظیم سیاستهای کشور در برابر روند جهانی‌سازی و اشتراکات فراوان مفاد این سند با اظهارات دانشمندان و صاحب نظران روس اشاره کرد. از جمله آن که در هر دو کشور با سرمایه‌داری بی‌بند و بار مخالفت می‌شود. دکتر نهاوندیان سخنان خود را بدین گونه جمع‌بندی نمود که ایران و روسیه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همکاریهای بسیاری می‌توانند داشته باشند که البته پتانسیل این همکاریها بسیار بیش از آنی است که تاکنون انجام گرفته است. به گفته وی اکنون ایران و روسیه می‌توانند در برابر آنچه جهانی شدن پیش آورده، همکاری بیشتری در پیش بگیرند و با کمک یکدیگر به مقابله با اثرات منفی این روند بپردازند و با توجه به نقش فعالتر دین در جامعه امروز روسیه، همکاری خود را در جهت یک ساختار جهانی متکی بر اخلاق و عدالت گسترش دهند. سخنران بعدی، الکساندر لوگونوف، استاد تاریخ و رئیس دانشکده تاریخ، علوم سیاسی و حقوق دانشگاه علوم انسانی روسیه بود که پیش از آن که به سخنرانی اصلی خود با عنوان «فرهنگ اکثریت و فرهنگ اقلیتها» بپردازد، به پرسشها و پیشنهادهای دکتر نهاوندیان اشاره نمود و این پرسشها را بسیار جالب توجه ارزیابی کرد. از جمله آن که اظهار داشت به نظر وی نیز گفتگو نباید تنها

فرهنگی باشد، بلکه گفتگوی علمی و مشارکت دانشمندان هم از ضروریات است. لوگونوف بحث خود را با مسئله ورود عنصر ارتدکس به پهنه اوراسیا آغاز کرد و این امر را یکی از واکنشها به تضادهای موجود در جهانی سازی دانست. پایداری اروپا در برابر آمریکایی سازی زندگی اجتماعی به صورت تکیه بر زبانها، فرهنگ و هنر خود، و این که «شرق بزرگ» نیز در این صحنه و در برابر غربی سازی پارامترهای اجتماعی ارزشهای سنتی خود و شیوه توسعه خاص خود را پیش می کشد، به نظر لوگونوف، همه نشان از حدت مسائل مربوط به جهانی سازی و مسئله رابطه کل و جزء یا پدیده های جهانی و پدیده های ملی دارد. وی افزود برای پاسخ به این مسئله، بسیار مهم است که ببینیم جهان در آغاز قرن ۲۱ چگونه جهانی است و خودشناسی و خودباوری در چه مرحله ای است. لوگونوف سپس با ارائه نمونه های تاریخی نشان داد که از اوایل سده گذشته شکل گیری جهان امروز آغاز شد اما این شکل گیری براساس خواست اقلیت و فرهنگهای کوچکتر صورت نگرفت، جهان امروز به شکل جهان اکثریت، اکثریت نیرومند شکل گرفت. بر این اساس جهان پس از دو جنگ جهانی براساس مقتضیات ژئوپلیتیک شکل گرفت، نه بر اساس دموکراسی و حق مداری. وی همچنین به مسئله درک متقابل، مسئله اعتماد پرداخت و فهم آنچه را که در این میدان به صورت خواست خود اعلام می کنیم، بسیار با اهمیت دانست. پویایی این درک، به ویژه هنگامی که سرمشقها تغییر می کنند، از دیگر نکات مورد تأکید وی بود. لوگونوف در پایان دیگر بار به سخنان دکتر نهاوندیان بازگشت و مسئله رهبری در جهانی سازی را بسیار مبرم دانست. سخنران سوّم نشست عمومی دکتر محمدهادی همایون، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات، بود. وی اظهار داشت که گفتگوی ادیان (که موضوع سخنرانی او بود) ده هزار سال، یعنی از زمان هبوط حضرت آدم قدمت دارد. دکتر همایون توجه حضاران را به این نکته جلب نمود که پیش از آن که نظریه هانتینگتون مطرح شود، حوادث ۱۱ سپتامبر طراحی شده بود و این نظریه تنها از آن رو مطرح شد که محیط دانشگاهی را برای پذیرش آنچه قرار بود روی دهد، آماده سازد. چنانکه امروز

نظریه‌ای مطرح است که براساس آن گفته می‌شود در حوادث ۱۱ سپتامبر هواپیمایی در کار نبوده و صحنه برخورد هواپیماها با ساختمانها یک مونتاژ دقیق سینمایی است و ساختمانهای مرکز تجارت جهانی با بمب فرو ریخته شد. سپس از این حوادث استفاده شد تا فریاد جنگهای صلیبی سر داده شود، یعنی برخورد ادیان. حال آنکه ادیان و مذاهب همه در اصل یکی بوده‌اند و هنوز اگر دقت کنیم، مشترکات فراوانی در ادیان و مذاهب مشاهده می‌کنیم، مانند اعتقاد به بازگشت یک فرد نجات‌بخش که در همه ادیان الهی وجود دارد. دکتر همایون سپس به استفاده غرب از صنعت سینما برای رواج ایده جنگ مذاهب اشاره کرد و تأکید نمود که در زمینه برخورد اسلام و مسیحیت تلاش ویژه‌ای به عمل می‌آید تا وقایع امروز را به وقایع جنگهای صلیبی تشبیه کنند. وی افزود که به نظر ما نشانه‌هایی برای ظهور منجی آخر زمان وجود دارد، اما از نشانه‌های این دوره نه برخورد ادیان، بلکه نزدیکی مذاهب و شکل‌گیری یک دین سراسری است که نه اسلام است، نه مسیحیت و نه یهودیت، و در عین حال مجموعه‌ای است از همه این ادیان. در پایان دکتر همایون هدف را وحدت ادیان اعلام نمود و از این رو جستجوی مشترکات را از لوازم حتمی این روند دانست. ضمن آنکه هشدار داد در این جستجو نباید در گذشته بمانیم، بلکه باید از گذشته بیرون آییم و نگاهمان به سوی آینده باشد. شرکت‌کنندگان بسیاری خواستار طرح سؤالات خود در زمینه سخنرانی دکتر همایون بودند و همین نکته هیئت رئیسه را بر آن داشت که اعلام کند پس از هر سخنرانی در نشست عمومی، سخنران می‌تواند به یک سؤال پاسخ گوید. از میان پرسش‌کنندگان ولادیمیر ایوانوف، چهره شناخته شده آموزش زبان فارسی در روسیه انتخاب شد تا از دکتر همایون بپرسد که آیا زرتشتی یک دین الهی دانسته می‌شود یا نه. این پرسش به احتمال قوی ریشه در پژوهشهای اخیر ایوانوف دارد که در زمینه آواشناسی زبان اوستایی است. به هر رو دکتر همایون با قطعیت به این پرسش پاسخ مثبت داد و این نکته را هم افزود که در ایران نیز آیین زرتشتی یکی از ادیان اصلی کشور است. محمد مستیری، مدیر مؤسسه تفکر اسلامی در پاریس، سخنران بعدی بود که سخنان خود را با ابراز خوشحالی نسبت به این

نکته آغاز نمود که ایران و روسیه آلترناتیو‌هایی برای ارزشهای جهانی مطرح کرده‌اند و نه برای بازار جهانی. وی همچنین افزود که مسلمانان از ایران و روسیه انتظارات بسیاری دارند. سخنرانی دکتر مستیری «اسلام اروپا: یک مسئله ملی نوظهور» عنوان داشت که طی آن دکتر مستیری بر این نکته تأکید داشت که منظور وی نه اسلام در اروپا، بلکه اسلام اروپایی و شهروندی مسلمانان در زمینه تنوع فرهنگی اروپا است. به نظر دکتر مستیری چهره اسلام در اروپا در آغاز قرن گذشته چهره سرباز یا چهره یک کارگر بود. بدین معنی که در اروپا مسلمانان را به این چهره‌ها می‌شناختند. اما خود اسلام چهره بی‌تشخصی داشت. ظهور جدی اسلام در اروپا [در دوران معاصر] از زمان ظهور مساجد و مراکز مذهبی در حدود ۳۰ سال پیش آغاز می‌شود. این در واقع رجعت به مذهب بود که واکنشی به نادیده گرفتن حق اسلام و مسلمانان به شمار می‌رفت. طی سالهای دهه ۱۹۸۰ به بعد مسلمانان شروع به سازماندهی کردند تا بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. تقریباً در سالهای دهه ۹۰ مسلمانان به خصوص در آلمان و فرانسه به تدریج در سیاست نیز وارد شدند. از این زمان اسلام به طور واقعی و توسط سه جریان مذهبی، حقوق بشر و مشارکت در امور سیاسی چهره خود در اروپا را نشان داد. اکنون ما با دو مسئله روبه‌رو هستیم. از سوی اروپاییها این مسئله که باید مسلمانان را از همه جهت بپذیرند. از سوی مسلمانان با مسائل روشنفکری و مسئله وابستگی به امت یا شهروندی اروپایی روبه‌رو هستیم که یک نقطه ضعف در جامعه اسلامی اروپا است. گفتگوی ما باید در دو جهت انجام گیرد: پذیرفته شدن مسلمانان در اروپا و مدرنیزه کردن اسلام بدون برخورد. در این گفتگو سه شرط وجود دارد: ۱) **برابری**: بدین معنا گفتگو در شرایط برتری غرب صورت نگیرد؛ ۲) **عدالت**: به این مفهوم که تنوع را درون اسلام نیز بپذیریم؛ ۳) **انجام یک گفتگوی واقعی میان غرب و کل مسلمانان**: نه آن که غرب برخی مسلمانان را برای گفتگو گزینش کند.

پرسشی که در پایان سخنرانی دکتر مستیری امکان مطرح شدن یافت، این بود که اگر ترکیه به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته شود، به نظر شما وضعیت چگونه خواهد بود؟

مستیری پاسخ داد که این رویداد می‌تواند به گفتگوی میان اسلام و اروپا کمک کند. زیرا ترکیه به ۲۰ میلیون مسلمان اروپا ملحق می‌شود و آنگاه نگاه اروپا به مسلمانان نه نگاه به مهاجران، بلکه نگاه به شهروندان خواهد بود. در زمینه این سخنرانی نیز سؤالات دیگری هم مطرح بود که دکتر نه‌اوندیان، از اعضای هیئت رئیسه، پاسخ به آنها را به میزگرد روز بعد موکول نمود. آخرین سخنران نشست عمومی یلی‌یناکوزمینا، از ایران‌شناسان بسیار مشهور و پرسابقه روس بود. سخنرانی کوزمینا با عنوان «ریشه اقوام آریائی (هند و ایرانی)» نکات تازه و بحث‌انگیزی در بر داشت. در آغاز وی با استناد به World Almanac 2002، اعلام کرد که هند و ایرانیان تا سالهای ۲۰۲۰ قرن حاضر از نظر جمعیت چینیان را نیز پشت سر خواهند گذاشت و تبدیل به پرجمعیت‌ترین نژاد جهان خواهند شد. کوزمینا در ادامه افزود که ما هنوز نمی‌دانیم فرهنگ ایران در روسیه چه نقشی داشته است. وی پوشاک سنتی روسها و از جمله روسری سنتی زنان روس را برگرفته از اقوام هند و ایرانی دانست. کوزمینا، «روسلان» را که یکی از پهلوانان اساطیری روس است، همان «رستم» ایرانی دانست که در سده ۱۷ و از طریق داستانهای مردمی به فرهنگ روس وارد شده است. البته این نکته‌ای است که پیش از کوزمینا، پرتلس، خاورشناس بزرگ قرن گذشته روسیه نیز بر آن صحنه گذاشته و «روسلان زال زروویچ» را همان «رستم زال زر» دانسته بود. کوزمینا ژرفای تاریخ هند و ایرانی را ۴۰۰۰ سال دانست که به سه گروه «داری - نورستانی»، هندی و ایرانی تقسیم می‌شوند. سپس به ایرانیان شرقی و غربی پرداخت و در بر شمردن ایرانیان غربی، در کنار ایرانیان کنونی و افغانستانیان، به تأکید تاجیکان را نیز در این گروه جای داد که البته امر پذیرفته شده‌ای در خاورشناسی و ایران‌شناسی است. اما اهمیت تأکید او از آن جهت بود که اکنون برخی در تاجیکستان و به راهنمایی برخی از ایران‌شناسان غیر تاجیک سعی دارند تا برای شیوه تاجیکی زبان فارسی ریشه‌های باستانی بیابند. کوزمینا با تکیه بر کاوشهای باستان‌شناسی خود و برخی دیگر از این دست کاوشها، کل منطقه جنوب روسیه را منطقه‌ای دانست که در گذشته‌های دور سکونتگاه اقوام هند و ایرانی و سپس ایرانی بوده است. وی همچنین فرضیه ورود اقوام

ایرانی را از دو سوی دریای خزر، یعنی از آسیای میانه و قفقاز به داخل فلات ایران، به دلیل یافته‌های نوین باستان‌شناسی کاملاً محقق دانست.

از میان سؤالهای متعددی که از سوی حاضران آماده طرح بود، سؤال مربوط به نظریه گام‌گیریدزه مطرح شد که ظاهراً درباره مهاجرت گروهی از اقوام از آسیای میانه به آسیای مقدم (جنوب قفقاز و آناتولی کنونی) در ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بوده است. کوزمینا پاسخ داد که این نظریه هیچ پذیرش جهانی نداشته و جدا از آن مطالعات دیرین‌شناسی استاریستین ثابت کرد که مهاجرت به آسیای مقدم از بالکان انجام شده است، ضمن آن که در ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد آسیای میانه کلاً یک سرزمین باتلاقی و غیرمسکون بوده است.

محمد سلام مخشولوف نیز از کوزمینا درباره دیدگاه گومیلوف در زمینه مهاجرت آریاییان به جنوب پرسید که کوزمینا پاسخ داد ترجیح می‌دهد به این سؤال پاسخ ندهد. بخش اول سخنرانیهای تخصصی، بخش «ریشه‌های تاریخی و دورنمای رابطه فرهنگی میان مردم روسیه و ایران» نام داشت که جلسات آن به ریاست ایلینا زایتسیف و یلی‌ینا کوزمینا برگزار شد. از میان سخنرانیهای این بخش، سخنرانی دکتر علی امیدوی از دانشگاه اصفهان با عنوان «آموزش تاریخ و تأثیر آن در برداشت ایرانیان از روسیه» توجه بسیاری را در میان روسهای حاضر در جلسه به خود جلب کرد. دکتر امیدوی با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای نظر دانش‌آموزان و دانشجویان شهر اصفهان را درباره روابط ایران و روسیه گردآوری کرده بود. به گفته وی اکثریت بسیار بالای پاسخ‌دهندگان این روابط را مثبت ارزیابی نکرده‌اند. علت اصلی این مسئله نحوه آموزش تاریخ روابط دو کشور در کتابهای درسی است که پس از بیان آسیب‌هایی که روسیه در طی دو قرن بر ایران وارد نمود، به دگرگونی کیفی این روابط پس از انقلاب اکتبر، از جمله قرارداد ۱۹۲۱، کمک روسیه به ایران در راه‌اندازی صنایع سنگین از جمله ذوب‌آهن و کمک روسیه در بازسازی نظامی ایران بعد از جنگ ایران و عراق و مواردی مانند این اشاره نمی‌شود. سخنران راه‌حل این مسئله را بازنویسی بخش مربوط به روابط ایران و روسیه در کتابهای درسی

دانست که آن را البته در محدوده تصحیح و نه تحریف مجاز به شمار آورد.

ایلیا زایتسیف، از ایران‌شناسان جوان مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه که در بررسی نسخه‌های خطی بسیار فعال است، درباره نسخه‌های شاهنامه در مجموعه‌های مسکو سخنرانی کرد. وی پس از ذکر این نکته که شهر مسکو از نظر مجموعه‌های نسخ خطی بسیار غنی است و تاکنون تنها بخش کوچکی از آنها بررسی و فهرست‌نویسی شده، اظهار داشت که با بررسی‌هایی که او انجام داده است، مشخص شده که در میان نسخه‌های با الفبای عربی، اکثریت بسیار زیاد (حدود دو سوم) با نسخه‌های فارسی است و این نکته باز مجموعه‌های دست‌نویسهای شرقی مسکو را از مجموعه‌های دیگر شهرهای روسیه متمایز می‌سازد. زایتسیف به معرفی پنج نسخه از شاهنامه پرداخت که کهنترین آنها که حدوداً متعلق به سالهای ۵۰ تا ۷۰ سده ۱۶ میلادی است، در مجموعه بین‌المللی موزه ریخ نگهداری می‌شود. جدا از نسخه‌های شاهنامه او همچنین توضیح داد که در بررسی‌های خود به نسخه‌های کهنی برخورد کرده که حاوی دستورات دین مسیح بوده‌اند و از نظر زبان فارسی به کار رفته در آنها بسیار جالب‌اند. پایان از زایتسیف سؤال شد که آیا مخازن قفقاز شمالی و یا مناطق پیتی‌گورسک و جنوب شرقی اوکراین را نیز دیده است که او پاسخ داد با آن که احتمال وجود نسخه‌های فارسی نادر در آن مناطق می‌رود، مخازن آنها چندان مورد بررسی قرار نگرفته است.

دمیتری تیموخین، دانشجوی دکترای مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، سخنرانی جالبی درباره اطلاعات مندرج در منابع تاریخی فارسی در خصوص حمله مغول به سرزمین روس ارائه کرد. نکته آنکه تیموخین بنا به دلیلی نامعلوم تاریخ جهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله را از آثار نوشته شده در آسیای میانه می‌دانست. به نظر وی منابع فارسی نسبت به آنچه درباره گشودن شهرهای آسیای میانه (ماوراءالنهر) توسط مغولان آورده‌اند، اطلاعات چندانی از حمله مغول به روس ارائه نمی‌کنند. اما همین اطلاعات اندک نیز به گفته تیموخین ضمن آن که جالب‌اند، در منابع روسی یافت نمی‌شوند. در پایان وی اظهار امیدواری کرد که منابع فارسی مربوط به این

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

علت تأخیر را تنها علت‌های فتنی می‌دانستند. سؤال‌کننده دیگری از نظر مردم ایران نسبت به روسیه، با توجه به تأمین نظامی عراق توسط روسیه در زمان جنگ با ایران پرسید. فافانووا در پاسخ اظهار نمود که همه ایرانی‌هایی که من با آنها تماس داشتیم، نظر مثبتی نسبت به روسیه داشتند که برخی از حاضران نیز گفتند آنها حتماً در برابر تو اینطور پاسخ می‌داده‌اند، برخی دیگر نیز به سخنرانی دکتر امیدوی در روز قبل اشاره داشتند که تأییدکننده نظر منفی ایرانیان نسبت به روسیه بود.

سخنران بعدی در این بخش نینا آلکساندروونا کاجیلیایوا، دبیر علمی کنفرانس بود که منشی علمی مؤسسه فرهنگ‌شناسی روسیه است. او درباره سفرنامه‌ای سخنرانی کرد که سالها پیش، در واقع در واپسین سال حکومت شاه، ترجمه بسیار ناقص، نامفهوم و تحریف شده‌ای از آن توسط کتابخانه ملی منتشر شد. سفرنامه را بازگانی به نام فدوت آفاناسی پویچ کوتوف (در چاپ کتابخانه ملی به غلط: کاتوف) نوشته که در سالهای ۱۶۲۴ - ۱۶۲۲ میلادی به فرمان تزار میخاییل فیودوروویچ، همزمان با سالهای پادشاهی شاه عباس اول، به ایران می‌آید. سراسر این سخنرانی حاوی اطلاعات بدیع و بسیار جالب از ایران آن زمان بود. کوتوف با دقتی کم‌نظیر به توصیف مشاهدات خود پرداخته، از راه‌های دستیابی به ایران، چه راه‌های دریایی و چه خشکی، استحکامات (مانند آنچه سخنران از قول او درباره دربند داغستان و قرارگاه داروغه آن منطقه گفت)، ساختار سپاه ایران که پس از فتح بغداد به اصفهان بازگشته بود و در مراسم استقبال آن؛ همه باید حضور می‌یافتند، کهنه بودن توپ‌های اطراف کاخ شاه و نازک بودن دیوارهای شهر که به نظر کوتوف نشان از قدرت بسیار حکومت داشته، چرا که نشان می‌داده پایتخت مدتهاست مورد تهدید قرار نگرفته، تا آنچه که دقیقاً به حرفه او مربوط می‌شده: چگونگی ترتیب دکانها و راسته‌ها در بازار، اجناس و کالاها، فروشندگان از تاجیکها، هندیان، عثمانیها، عربها، ارمنیان، ابراهیمیان (که بنا به توضیح سخنران یا منظور آشوریان بوده است و یا فرقه خاصی از مسلمانان پیرو حضرت ابراهیم)، زیدها (زیدیها؟) و لژگیاها و دیگران. این اطلاعات نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای روسهای حاضر در جلسه نیز بسیار جالب توجه

بود. سخنران آنجا که عیدهای ایرانیان را از قول کوتوف بر می‌شمرد، از «عید عاشورا» نیز نام برد که در پایان در این باره از وی سؤال شد. به گفته کاجیلیاوا کلمه prazdnik که امروز در روسی به معنای جشن و عید به کار می‌رود، در زبان روسی باستان، که کتاب به آن زبان نوشته شده، معنای همه‌گونه مراسم مذهبی را می‌رسانده است و از این رو کوتوف با اطلاع از ماهیت مذهبی مراسم عاشورا، واژه prazdnik را برای آن به کار برده، ضمن آن که مراسم جشن و شادی و سرگرمی را همه جا با کلمه «تماشا» tamashi توصیف کرده است. یکی دیگر از حاضران از دقت کوتوف در توصیف همه جنبه‌های زندگی ایرانیان و نه تنها مسائل خاص حرفه خود ابراز شگفتی نمود که سخنران در پاسخ اظهار داشت البته کوتوف شخص باسواد و با معلوماتی بوده، اما او یک استثنا نیست و یادداشتهای دیگر بازرگانان و سفرای روس در آن دوره همه چنین ویژگی‌ای دارند. سخنران در پاسخ به سؤالات مربوط به ویژگیهای زبانی این سفرنامه به وجود واژه‌های نادر و بسیار جالب روسی و نیز فارسی در آن اشاره کرد که پس از چاپ انتقادی و همراه با توضیحات این اثر به زبان روسی امروز که گویا خود وی در پی انجام آن است، می‌توان به آن پرداخت.

سخنرانیهای بخش دوم: «پاسخ فرهنگهای روسی و ایرانی به مقتضیات جهانی سازی» همچون دیگر بخشها با بحثها و پرسش و پاسخهای متنوع پس از هر سخنرانی همراه بود. آلکساندر پالیشوک، استاد فارسی گروه زبانهای شرقی در دانشگاه زبان شناسی مسکو در سخنرانی خود با عنوان «امکان و ضرورت گفتگوی فرهنگها میان روسیه و ایران» به یادآوری این نکته پرداخت که چند سال پیش و در فضای متأثر از نظریه برخورد تمدنها، سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران نظریه گفتگوی تمدنها را مطرح نمود. این نظریه به نظر سخنران راه پیش‌گیری از عدم تفاهم یا جلوگیری از رویارویی میان جهان مسیحیت و جهان اسلام را به روی ما می‌گشاید. وی سپس به مشترکاتی مانند اهمیت نهاد خانواده، تربیت جوانان و معیارهای اخلاقی در هر دو فرهنگ اشاره نمود و با یک مقایسه تاریخی نشان داد که هر دو ملت با وجود قرار داشتن در مراحل مختلفی از رشد

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سوی دیگر پرداخت. دکتر حقیقت بر آن بود که جهان‌گرایی اسلامی با جهانی شدن تفاوت دارد و از سوی دیگر جهانی شدن برای گفتگوی فرهنگها و ادیان هم تهدید است و هم فرصت. وی با اشاره به برخی نقل قولها ورود به دوران پسامدرن را از دهه ۱۹۶۰ دانست که در عین حال به معنای پایان دوران مدرنیته نیز ارزیابی نمی‌شود. به گفته سخنران دو فرهنگ ایران و روس در نقد برخی از اصول فرهنگ مدرن اشتراک دارند و می‌توانند گفتگوی خود را براساس این نوع اشتراکات بنیان نهند. جدا از روابط خاص ایران و روسیه و شکل این روابط که به نظر سخنران با کنار گذاردن سوءظنهای تاریخی، به سوی بهبود می‌رود، وی بحث خود را بدین‌گونه جمع‌بندی کرد:

- هرمنوتیک وجودشناسانه گادامر با توجه به ارتباطی که بین فرهنگ با گفتگو، سنت، زبان و فهم برقرار می‌کند، می‌تواند مبنای مناسبی برای گفتگوی فرهنگها و تمدنها تلقی شود؛

- نظریه برخورد تمدنها از لحاظ روش‌شناسی، فکری و سیاسی با چالشهای عدیده‌ای روبه‌رو است؛

- از طرف دیگر تضاد بنیادگرایی اسلامی و توسعه‌طلبی آمریکا ممکن است در عمل نظریه برخورد تمدنها را تحقق بخشد. اسلام در سطح فرهنگ و تمدن ممکن است با غرب در همین حوزه به تعامل بپردازد؛ ولی در سطح سیاسی، اسلام بنیادگرا با غرب سلطه‌گر از دیدگاهی واقع‌بینانه در تعارض هستند؛

- هر چند اقتضات جهانی شدن و پسامدرنیسم با هم تفاوتی دارند، اما هر دو ضرورت همکاری هرچه بیشتر ملل و گفتگوی فرهنگها را بیش از پیش آشکار می‌کنند. در این میان نخبگان و اندیشوران جوامع مختلف می‌توانند نقشی به سزا ایفا کنند.

سخنرانیهای بخش سوم: «تعامل میان مذاهب و همبستگی اجتماعی» را که ریاست آن با دکتر مستیری و کیتایف - سمیک بود، ویتالی بلیزنیوک مدیر مرکز ایران‌شناسی در دانشگاه ساراتوف آغاز کرد. وی در آغاز راههای رشد و توسعه پیش روی روسیه را دو راه اوراسیایی و غربی - اروپایی معرفی کرد. آنگاه با اظهار این نکته که در مجموعه غربی -

اروپایی روسیه چندان استقلالی نخواهد داشت و در مقابل، پی‌گیری روش اوراسیایی روسیه را به مقام رهبری که در دهه گذشته آن را از دست داده است، باز خواهد گرداند؛ بر نقش مراکز خاورشناسی در پی‌گیری سیاستهای راهبردی کشور تأکید نمود. بلیزنیوک سپس به رویکرد نوین در آموزش زبانهای خارجی پرداخت که مطابق آن آموزش زبان در واقع محملی است برای آموزش فرهنگی و نزدیک ساختن فرهنگها. او پژوهشگران ایرانی را به عنوان نمونه ذکر کرد که به دلیل تحصیل در اروپا و آشنایی با زبانهای غربی، آشنایی بیشتری با فرهنگ غرب دارند و با مسائل نیز بازتر برخورد می‌کنند. در واقع نیز تازه‌ترین مبحث در حوزه آموزش زبان، بحث کشورشناسی یا زبان - فرهنگ‌شناسی است که منظور از آن شناخت فرهنگ در بستر آموزش زبان است. بلیزنیوک به دگرگونیهای سالهای اخیر در جهان و منطقه، و امکانات تازه‌ای که این دگرگونیها ایجاد کرده‌اند، از جمله فراهم آمدن بستر برای بحث «گفتگوی تمدنها» به ابتکار ایران و هدایت یونسکو اشاره کرد و از آن میان امکان گسترش روابط با همسایگان را فرصت مغتنمی دانست. اما این را نیز از نظر دور نداشت که بسیاری از حوزه‌های سنتی نفوذ روسیه، مانند آسیای مرکزی و قفقاز، اکنون مورد تهاجم غرب قرار گرفته است. وی یکی از راههای مقابله با این تهاجم را گسترش روابط روسیه و کشورهای شوروی سابق با همسایگان و از جمله ایران دانست و افزود که در این راه افزایش تماسهای زبانی در میان این کشورها بسیار ضروری است. بلیزنیوک در همین راستا به تاریخچه گشایش مراکز خاورشناسی و آموزش زبان فارسی در ساراتوف و کلاً منطقه جنوب ولگا پرداخت، از جمله آن که تاکنون هر سال ۱۷ دانشجو از دانشکده‌های تاریخ، جامعه‌شناسی و فقه‌اللفه دانشگاه ساراتوف به آموزش زبان فارسی پرداخته‌اند؛ برخی دانشجویان پایان‌نامه‌هایی با موضوع اسلام در شرایط اجتماعی و فرهنگی روسیه امروز، وضع زنان در ایران امروز و مانند اینها داشته‌اند؛ دو سال پیش گروه آموزشی مذهب‌شناسی افتتاح شد و در پی مذاکره با مدیر این گروه قرار بر آن شد تا برخی دانشجویان زبان فارسی در این گروه ادامه تحصیل دهند و اطلاعات دیگر از این دست. بلیزنیوک در پایان عدم حضور مهاجران و شرکتهای ایرانی را در

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادآوری است و در حین آن ۹۹ نام خداوند به یاد آورده می‌شود. سپس به معنای طریقت پرداخت و شیخ بهاء‌الدین نقشبند و سید عبدالقادر گیلانی را به عنوان سرسلسله‌های دو طریقت نقشبندی و قادری معرفی نمود که پیروان هر دو نیز در شمال قفقاز حضور دارند. وی اظهار داشت که پیروان طریقت نقشبندی در میان چچنها به حالت‌های انفعالی و تن دادن به واقعیات گرایش دارند، از این رو به ذکر درونی (ذکر خفی) می‌پردازند. اما قادریها روحیات فعالانه‌تری داشته و ذکر را با صدای بلند (ذکر جلی) انجام می‌دهند. توضیحات دیگر کیتایف - سمیک درباره چرخیدن برخلاف جهت عقربه ساعت در بسیاری از آئینهای ذکر، ذکر در میان پیروان مولانا جلال‌الدین بلخی و ذکر در میان برخی فرق مسیحی توجه حضاران را کاملاً جلب نموده بود. از کیتایف - سمیک درباره رقصهای آئینی ایران سؤال شد که پاسخ داد هر چند در این باره بسیار خواننده و شنیده‌ام، اما خود تاکنون در این گونه مراسم در ایران حضور نداشته‌ام و از این رو نمی‌توانم نظر خاصی ابراز کنم. پرسش و پاسخهای پس از این سخنرانی بیشتر درباره تأثیر برنامه‌های تلویزیون روسیه در برداشت مردم از ذکر و نقش سیاسی ذکر انجام شد. کیتایف - سمیک پاسخ داد که علت این گونه برداشت از ذکر آن است که ما پس از جنگ چچن با ذکر آشنا شدیم. اما باید به مردم توضیح داد که این یک آئین مثبت اسلامی است. در پاسخ به سؤالی درباره تأثیرات ذکر وی گفت هنگام ذکر اسامی خداوند که همان بهترین کیفیتهاست، بر زبان می‌آید. بنابراین ذکر یک عامل پرورش روحی و اخلاقی است. دکتر مستیری نیز برای حضاران توضیح داد که ذکر دو معنی دارد، یکی عملی است برای درخواست یاری از خداوند: الا بذکرالله تطمئن القلوب، در واقع یک راه شخصی بین شما و خداوند. معنای دوم ذکر، قرآن است: ذکرالحکیم. به هر حال راهی برای دخالت دادن ذکر در سیاست وجود ندارد. هر چند همه چیز را می‌توان با سیاست آمیخت اما نهایتاً ذکر یک پدیده محرمانه (Secret) به شمار نمی‌رود.

سخنرانیهای بخش چهارم با عنوان «هنر روسیه و ایران در جهان معاصر» به ریاست ولادیمیر ایوانوف و سوتلانچایروونا با انجام شد. نخستین و شاید جالب‌ترین سخنرانی

این بخش از داریا واسیلی، کارمند علمی بخش شرقی موزه آرمیتاژ در سن پترزبورگ، بود که در آن معرفی تمثالهای شیعه و پرده و شمایلهای موجود در مجموعه‌های سن پترزبورگ پرداخت. واسلی یونا ظاهراً با منابع شیعی نیز آشنایی دارد، چرا که اشتباهات ایران‌شناسان یا اشخاصی را که خود در ایران به گردآوری پرده و شمایل پرداخته بودند تصحیح می‌کرد. مانند اشتباه ساموئل بنجامین که تمثالی از حضرت امیر(ع) را در تکیه دولت دیده بود، تمثال پیامبر(ص) دانسته بود. یکی از نکات جالبی که سخنران به آن اشاره کرد آن بود که به گفته شاپشال، خاورشناس روس در آغاز سده گذشته که شاهد وجود تمثال اهل بیت در بسیاری از خانه‌های ایرانیان بوده، این تمثالها معمولاً پوشیده بوده‌اند و تنها در مناسبتهای مذهبی پوشش آنها با ذکر صلوات برداشته می‌شده است. به گفته تمثال در میان ایرانیان تمثال حضرت امیر همراه با حسنین (ع) بوده که در بعضی از آنها سلمان فارسی و قنبر، غلام حضرت نیز به چهره‌های تمثال افزوده می‌شده‌اند. وی همچنین به مجموعه والناتین ژوکوفسکی، متخصص، لهجه‌های فارسی در پایان سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ اشاره کرد که حتی پس از بازگشت از ایران، شمایلهای دیگری را به کمک دوستش، شاپشال، دیگر خاورشناس روس گردآوری می‌کرده است. اما از روی مقاله‌های شاپشال که در آنها مجموعه ژوکوفسکی را توصیف نموده، مشخص می‌شود که بخشهایی از مجموعه یاد شده امروز مفقود است. واسیلی یونا سپس به پرده‌های موجود در مجموعه‌های سن پترزبورگ پرداخت و درباره قدمت هنر ترسیم پرده و اجرای آن یا پرده‌خوانی از قول سفیر و نیز در دربار صفویان نقل کرد که در آن (قرن ۱۶ میلادی) نیز در شهرهای ایران پرده‌خوانی رواج داشته است. وی در پایان تمثال‌نگاری شیعی در سده‌های ۲۰ - ۱۹ میلادی را بخش ویژه‌ای از هنر ایران دانست که آثار آن در مجموعه‌های سن پترزبورگ نیز جایگاه خاص خود را دارد. از دیگر سخنرانان بخش آلکسی گریگوری‌یف، عضو هیئت علمی انستیتو فرهنگ‌شناسی روسیه بود که در سخنرانی خود با عنوان «درونمایه‌های آگزیستانسیالیستی در رباعیات خیام» سعی داشت تا شباهتهایی میان ماهیت پرسش‌گرانه رباعیات خیام با مسائلی که

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چارچوب اسلام گفتگوهای سازنده‌ای داشته باشند. وی سپس به نقطه ضعف پژوهشهای ایران‌شناسی در روسیه اشاره نمود که آن را در محدود شدن این پژوهشها به دوره‌های گذشته تاریخی و غفلت از ایران امروز دانست و افزود که برای جبران این کمبود، پس از مشورت با دوستان ایران‌شناس روس جایزه‌ای طراحی شد که مطالعات ایران امروز را مورد حمایت قرار می‌دهد. رایزن فرهنگی ایران ابراز امیدواری نمود که همکاران روس نیز در ایران همین روش را در پیش بگیرند، زیرا در ایران هم روسیه امروز شناخته شده نیست و شناخت ایرانیان از روسیه متأثر از گذشته است و کمتر معطوف به عصر حاضر می‌باشد. وی در پایان اظهار امیدواری کرد که میزگرد به عنوان یکی از راهکارهای پیشنهادی این نکته را بپذیرد که مطالعات معاصر ایران و روسیه تقویت شود. در پاسخ به این پیشنهاد نیبردنچین اظهار کرد هر چند ممکن است نظر من خوشایند همکاران ایرانی نباشد، اما بررسیهای معاصر به هیچوجه از سوی ایرانیها مورد قدردانی قرار نمی‌گیرد به ویژه در حوزه فرهنگ، کسانی که در محدوده دوران باستان یا سده‌های میانه کار می‌کنند، با احترام و پذیرش بیشتری روبرو هستند. از همین رو این پیشنهاد را بسیار سودمند می‌دانم و امیدوارم حرکتی به این سمت ایجاد کند. وی سخنان خود را با تشکر از دوستان روس به جهت توجهی که به دلایل تاریخی و فرهنگی به نام خانوادگی وی ابراز نموده بودند، آغاز کرد. وی نیز ضمن پذیرش سودمند بودن مطالعات تاریخی اظهار کرد که به نظر او منظور همکاران ایرانی آن بوده است که در مطالعات نباید تنها در مقاطع تاریخی باقی ماند و باید به سمت آینده حرکت کرد. دکتر همایون ضمن تأکید بر جایگاه مهم مسیحیت ارتدکس در زندگی امروز مردم روسیه و اطلاع اندکی که از آیین ارتدکس در ایران وجود دارد، به این نکته اشاره نمود که به همان اندازه که مسیحیت ارتدکس در شکل‌گیری فرهنگ روس مؤثر بوده، اسلام نیز در شکل‌گیری فرهنگ ایرانی مؤثر بوده است. وی نیز در پایان ایجاد کرسیهای مشترک و یا انجام پروژه‌های مشترک را راهکاری برای رسیدن به درک عمیق متقابل دانست. اولگانی‌کالا یونا آفستافینا از آکادمی خدمات دولتی از کوتاه شدن فاصله فی‌مابین اظهار رضایت نمود و ادامه داد که باید به

این نیز به‌پردازیم که رسانه‌های گروهی نقش مهمی در انجام گفتگو دارند. چرا که محدودیت‌های زمان و مکان را پشت سر گذاشته‌اند. وی پخش مراسم عید رمضان (عید فطر) و سخنرانی مفتی مسلمانان روسیه را از تلویزیون روسیه مثال آورد که به نظر او گام مهمی در جهت آشنایی مردم روسیه با مسلمانان بود. آفستافینا سپس از برپایی کنفرانسی با همکاری یونسکو و با موضوع «گفتگوی میان فرهنگها و مذاهب به عنوان عامل اصلی توسعه صلح‌آمیز و پایدار» در سپتامبر ۲۰۰۷ خبر داد که احتمالاً در محل همین کنفرانس (آکادمی خدمات دولتی ریاست جمهوری روسیه) برگزار خواهد شد. سیوتلانا چیروونایا از مؤسسه فرهنگ‌شناسی ضمن ابراز رضایت از سطح این کنفرانس بررسی هنر اسلامی در ایران را کار بسیار ارزشمندی دانست. زیرا به نظر وی هنر اسلامی در ایران همچنان زنده است و به آفرینش ادامه می‌دهد. وی سخن خود را در زمینه همکاری‌های علمی پی‌گرفت و گفت باید ببینیم همکاری‌های علمی در چه سطحی و به کدام شکل می‌تواند برگزار شود. چیروونایا خواستار کاستن از تعارفها و پرداختن به مسائل عینی‌تر و واقعی‌تر شد، مسائلی مانند وضعیت آزادی مطبوعات، وضعیت تلویزیون و حقوق بشر در روسیه یا وضعیت اقلیتهای قومی در ایران. وی همچنین شرط مفید بودن همکاری‌های دو سویه را دست برداشتن از جستجوی دشمن مشترک در چهره غرب، آمریکا و فرهنگ اروپایی دانست که به زعم وی پیشرفت در بسیاری زمینه‌ها را امکان‌پذیر ساخته است. آلکساندر لوگونوف، از دانشگاه علوم انسانی روسیه، از این که میزگرد شکل جدی به خود گرفته ابراز خوشحالی کرد و از پیشنهاد رایزن فرهنگی مبنی بر توجه به مطالعات معاصر نیز پشتیبانی کرد. وی با اشاره به کمیته‌های مشترک بررسی کتابهای درسی تاریخی در لهستان و آلمان و بعد در آلمان و فرانسه به منظور تصحیح دید تاریخی از پایه‌ای‌ترین مراحل، پیشنهاد کرد که چنین کمیته‌هایی برای بررسی کتابهای درسی تاریخی در ایران و روسیه نیز تشکیل شود. لوگونوف با اشاره به حضور یک معاون وزیر و یک مشاور رئیس جمهور خواستار پیگیری جدی این مسئله شد. سپس ضمن پشتیبانی از پیشنهاد اولگا نیکالایونا آفستافینا درباره نقش رسانه‌ها و

تلویزیون به سخنرانی خود در کنگره مسلمانان روسیه در سال گذشته اشاره کرد که در آن به نحوه نشان دادن کلیسای ارتدکس و مسجد مسلمانان در تلویزیون روسیه پرداخته بود. به گفته وی در این برنامه‌ها کلیسای ارتدکس به شکلی بسیار زیبا و جذاب و مسجد مسلمانان به شکلی دلگیر نمایش داده می‌شود. از این رو پیشنهاد دوم خود را به عنوان ضرورت آموزش فیلمبرداران تلویزیون در زمینه تهیه برنامه‌های مذهبی ارائه داد. سومین پیشنهاد لوگونوف شرکت دادن جوانان در این نشستها و کنفرانسها و شنیدن نظرات آنان بود. یوری کابیشانوف در پاسخ به سخنان لوگونوف اظهار داشت کاستیهای کتابهای درسی به علت سطح سواد مؤلفان آنهاست که در حد متوسط است. از این رو باید آثار بنیادین در اختیار آنها گذاشته شود. کابیشانوف همچنین مطالبی در زمینه تعداد روسها و مسلمانان روسیه و نیز شمار ایرانی‌نژادان ساکن روسیه که به گفته وی بیش از یک و نیم میلیون نفر هستند بیان کرد که به دلیل پایان یافتن یک دقیقه‌ای که در اختیار وی گذاشته بود، نتوانست صحبت خود را ادامه دهد. کیتایف - سمیک از آکادمی محیط زیست جهانی در سخنان کوتاهی به فرهنگ‌شناسی جنگی و مسئله بیماریهای روحی ناشی از جنگ در میان افراد غیرنظامی پرداخت و نقش مذهب را در این میان با اهمیت دانست. وی سپس اشاره‌ای هم به انعکاس این پدیده در سینما و تلویزیون نمود و اظهار داشت که نمونه روشن تأثیر رسانه‌ها در روسیه جنگ چچن است. در جنگ اول چچن یکی از دو طرف با تکیه بر نیروی اطلاعات پیروز شد و جنگ دوم چچن طرف مقابل. دکتر حقیقت از دانشگاه مفید قم دو پیشنهاد عملی ارائه نمود که یکی برقراری جدی مبادله استاد و دانشجو و اعطای بورسهای تحصیلی و فرصتهای مطالعاتی بود و اعلام آمادگی دانشگاه مفید برای انجام این گونه برنامه‌ها و دیگری معرفی کنفرانسهای دوسالانه دانشگاه مفید در زمینه حقوق بشر و پیشنهاد به پژوهشگران و صاحب‌نظران روسیه برای شرکت در دور چهارم این کنفرانس که به گفته دکتر حقیقت در فوریه ۲۰۰۷ و با موضوع «دین و حقوق بشر» برگزار خواهد شد. آناتولی گرودنیف مدیر بنیاد «تفاهم معنوی» معتقد بود که پس از یک کنفرانس علمی پیشنهادهای عملی و مشخص

می‌تواند جایگاه این کنفرانس را در سطح عمومی جامعه ارتقا دهد. وی ضمن اشاره به چگونگی شکل‌گیری سنتهای ملی که در واقع تجربه‌های تاریخی هر ملت به شمار می‌آیند، پیشنهاد کرد که در پی آن باشیم تا درک متقابل را به یک سنت تبدیل کنیم و این می‌تواند یکی از رهنمودهای این کنفرانس باشد. دکتر مستیری، مدیر مؤسسه تفکر اسلامی در پاریس، طی سخنان مبسوطی به اهمیت ارتباط معنوی اشاره کرد و افزود که تجربه من در زمینه کار در سازمانهای گوناگون نشان می‌دهد که جو مناقشه و برخوردی که وجود دارد، مانع تعامل جامعه مدنی با سازمانهای رسمی شده است. اما مدل رابطه روسیه با ایران نشان می‌دهد که می‌توان بر این مشکل غلبه نمود. وی همچنین اظهار کرد که در گفتگو در درجه نخست نه برای گفتگو میان ادیان، بلکه برای گفتگو میان فرهنگهای دینی، گفتگو میان شخصیت‌های دینی و گفتگو در تجربه دینی اولویت قائل است. آفتهای این نوع گفتگو را دکتر مستیری یکی عدم اطلاع از یکدیگر و دیگری بی‌اعتنایی به یکدیگر دانست که با پرورش فرهنگ احترام و اعتماد متقابل می‌توان با آنها مبارزه کرد. وی برای ایران و روسیه جایگاهی فراتر از جایگاه منطقه‌ای قائل شد و وظایف این دو کشور را جهانی دانست، آن هم نه فقط جهان اسلام، بلکه کل جهان. دکتر مستیری پذیرش تنوع را از بهترین ابزار گفتگو به شمار آورد و افزود که باید با تفکر یکی بودن اسلام، یکی بودن فرهنگ غرب و کلیشه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، مبارزه کنیم. پیشنهادهای مشخص دکتر مستیری یکی آموزش روزنامه‌نگاران بود تا از بروز کلیشه‌هایی مانند یکی گرفتن اسلام و تروریسم یا یکی گرفتن غرب و شر جلوگیری شود. پیشنهاد دوم وی تقویت انتشارات، انتشارات همیشگی و در دسترس درباره اسلام و درباره شناخت فرهنگ غرب بود. در پایان دکتر مستیری از ابتکار سفارت ایران در فرانسه در اعزام یک گروه هنری ایرانی به کنفرانس ماه ژوئن در پاریس به عنوان اقدامی در جهت افزایش سطح مبادلات فرهنگی و آشنایی بیشتر قدردانی کرد. مارینا دمیتراذزه از مؤسسه جامعه‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه اهمیت کنفرانس را در آن دانست که در واقع برگزاری این کنفرانس گام بزرگی در جهت حل مشکل مبادله اطلاعات و همکاری

میان ایران و روسیه بوده است. سپس ارتباط میان علم و فرهنگ را در شرایط جهانی شدن در این دانست که باید از نظر علمی نیز برای فرهنگ اهمیت قائل شد و از این راه به ایران و روسیه کمک نمود تا نقش و موقعیت خود را در این شرایط بیابند، و نه تنها بیابند، بلکه خود آن را تعیین کنند. دمیترادزه افزود که فضای اجتماعی و فرهنگی موجود در حوزه‌های سیاسی و حقوقی امکان آن را فراهم می‌آورد تا شرایط حقوقی و سیاسی یکسانی برای اقلیتهای فرهنگی، قومی و ملی چه در روسیه و چه در ایران ایجاد شود. به نظر وی فعالیت در این جهت امکان مبادله فرهنگی را افزایش خواهد داد. دکتر علی امیدی از دانشگاه اصفهان پس از ارائه چکیده‌ای از مقاله خود درباره نگرش منفی دانش‌آموزان و دانشجویان اصفهان به روابط ایران و روسیه، تشکیل گروههای کاری را پیشنهاد کرد تا بخشهای مثبت تاریخ روابط دو کشور را به جوانان ایرانی منتقل کنند. پیشنهاد دیگر دکتر امیدی سالانه شدن این کنفرانس و چاپ مقالات به دوزبان فارسی و روسی بود. یلنا دونایوا، از مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، به حاضرین اطلاع داد که در بخش ایران مؤسسه یاد شده تحقیق مفصلی درباره تاریخ روابط ایران و روسیه در سه قرن اخیر انجام گرفته که با دید تازه‌ای نسبت به بسیاری مسائل همراه بوده است. تاریخ جنگها و مناقشات در این اثر به گفته دونایوا از دید تاریخ دوستی و همکاری بررسی شده است. وی پیشنهاد کرد که این تحقیق با کمک رایزنی فرهنگی ایران چاپ شده و به فارسی نیز ترجمه شود. ویتالی بلینزنیوک از دانشگاه ساراتوف با بیان چکیده‌ای از سخنرانی خود این نکات را افزود که با حمایت اداره مسلمانان منطقه ولگا به اقدامات بازرگانی و صنعتی که در منطقه ما در جهت افزایش ارتباط با ایران انجام می‌شود، از جمله نمایشگاه دستاوردهای اقتصادی ایران که در ماه مه ۲۰۰۷ در ساراتوف برگزار خواهد شد. می‌توان جنبه دینی و فرهنگی را نیز افزود. وی از قرارداد همکاری با دانشگاه اصفهان و مذاکرات با یکی از مراکز پژوهشی ایران برای انجام کاوشهای دیرین‌شناسی در منطقه ولگا نیز آگاهی داد. آندری خرینکوف، معاون سردبیر مجله ایران امروز، که هر دو ماه یک بار توسط رایزنی فرهنگی ایران در مسکو به زبان روسی منتشر می‌شود، در

سخنان خود هدف از گفتگو را شنیدن سخنان تازه عنوان کرد. وی نظر سرگی نیبرینچین، رئیس جلسه را مبنی بر بی‌قدر بودن پژوهشهای مربوط به ایران معاصر رد نمود و شرایط پذیرش این گونه تحقیقات را محکم و علمی بودن آنها را ذکر کرد. خرینکوف به عنوان نمونه از مجله آسیا و آفریقای امروز نام برد که از مجلات پرسابقه‌ای است که از دوران شوروی منتشر می‌شود و به مسائل امروز کشورهای شرق می‌پردازد. وی افزود که این مجله یک ضمیمه ادبی نیز دارد که در آن ادبیات امروز شرق معرفی می‌شود. خرینکوف پیشنهاد کرد که چنین ضمیمه ادبی برای مجله ایران امروز نیز فراهم شود. سویل طالبووا، استاد زبان فارسی در دانشگاه زبان‌شناسی مسکو، از دکتر نهاوندیان گله نمود که چرا در بخشی از سخنان خود از پژوهشهای زبانی و واژه‌شناسی به عنوان پژوهشهای نه چندان مهم یاد کرده است. وی سؤالی را مطرح کرد که اگر دانشجویان ما زبان و کلمات آن را به غلط به کار برند، آیا گفتگوی تمدن‌ها امکان پذیر خواهد بود؟ طالبووا در ادامه خواستار راه‌اندازی بخش فروشگاه کتاب زیر نظر رایزنی فرهنگی شد تا دانشجویان به کتابهای چاپ ایران دسترسی داشته باشند. وی از مشکلات کار خود کلمه «فرهنگ‌شناسی» را مثال آورد که ایرانیان حاضر در جلسه بارها آن را به کار برده‌اند، اما به گفته او در هیچ یک از فرهنگهای فارسی امروز یافت نمی‌شود. در پاسخ به سخنان طالبووا دکتر نهاوندیان ضمن آن که کار استادان زبان فارسی در روسیه را هم‌ارز کار مادران در آموختن زبان مادری به کودکان ارزیابی کرد، افزود که منظور من به هیچ وجه کم‌اهمیت شمردن نقش زبان فارسی در روند گفتگوی فرهنگها نبود. بحث آن است که همانگونه که رایزن فرهنگی هم اشاره کردند، از زبان فارسی بیشتر در بررسی مسائل معاصر استفاده کنیم. ویتالی والچیکوف از مؤسسه نظامی زبانهای خارجی، پیشنهاد کرد که کمیته برگزاری پس از پایان کنفرانس به فعالیت خود پایان ندهد و انجام اموری را در دستور کار قرار دهد، از جمله تهیه برنامه جامع، چرا که در کنفرانس و در میزگرد بسیاری از شرکت‌کنندگان از امکانات خود برای همکاری صحبت کردند و بسیاری نیز مایلند تا در برنامه‌های بعدی شرکت کنند. پیشنهاد دوم وی آن بود که سفارشهایی برای بررسی

مطبوعات داده شود. زیرا مطبوعات جایگاه ویژه‌ای دارند و نباید از جادوی کلمات غافل ماند. از این رو کمیته‌ای برای مونیتورینگ مطبوعات ایجاد شود. در جمع‌بندی کار کنفرانس دکتر نهاوندیان ضمن ابراز خوشنودی از برگزاری کنفرانس اظهار امیدواری نمود که کار عظیم گفتگوی فرهنگها میان ایران و روسیه متناسب با پتانسیل عظیم دو کشور و عظمت فرهنگشان انجام گیرد. وی به سخنان خود این چنین ادامه داد: در چنین همایشهایی باید شاهد حضور بسیار جدی نه تنها مؤسسات علمی و دانشگاهی، بلکه رسانه‌ها، مراجع دولتی، نمایندگان مجلس، محققین رشته‌های مختلف که می‌توانند ارتباط علمی و تکنولوژیک میان دو کشور را نیز ایجاد کنند، باشیم. فرهنگ به معنی وسیع آن در این گفتگو باید مورد توجه قرار گیرد. فرهنگ زمان ما و مفید برای نسل ما در دو کشور. به نظر من شاید دلایل سیاسی و اقتصادی بی‌مانندی برای رابطه فرهنگی میان دو کشور ایجاد شده باشد. شاید در طول تاریخ روابط گذشته ایران و روسیه هیچ لحظه تاریخی مثل امروز نبوده است که منافع مشترک داشته باشیم و تضاد منافع نداشته باشیم. اگر از این فرصت استفاده نکنیم، نسل آینده ما را ملامت خواهد کرد. به این سبب احساس می‌کنم هر کدام از ما در بازگشت از این کنفرانس باید احساس مسئولیت جدیدی داشته باشیم و پیام این گفتگو را به همکاران و به دانشجویانمان منتقل کنیم. قول می‌دهم که در ایران حتماً یک مصاحبه جدی در این باره انجام دهم. فایده این همکاری مطمئناً منحصر به دو کشور ایران و روسیه نخواهد بود. فایده جدی برای جهان اسلام خواهد داشت، برای منطقه خزر و آسیای میانه و قفقاز و برای جهان به طور اعم. سرگی نیبرینچین نیز درباره آخرین پیشنهاد در مورد تشکیل یک کمیته دائمی اظهار داشت که در این خصوص، نگاهمان به دفتر فرهنگ و سینمای روسیه از یک سو و رایزنی فرهنگی سفارت ایران از سوی دیگر است و سعی می‌کنیم این بند را در توافقنامه همکاریهای فرهنگی بگنجانیم.

محسن شجاعی